

نفس پرندگی ؟

مرضیه فضلی

سرشناسه: فضلی، مرضیه، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: رنگ عشق چه رنگیه ۱۹/شاعر مرضیه فضلی.
 مشخصات نشر: شیراز: فرهنگ پارس، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۵۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۰۳-۰۴-۴/۱۸۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره: ۹۱۳۸۹/۶۸۸ض/PIR۸۱۶۹
 رده بندی دیویی: ۸۱۴/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۷۹۸۹۱



انتشارات فرهنگ پارس

رنگ عشق چه رنگیه؟!؟

شاعر: مرضیه فضلی
 ناشر: انتشارات فرهنگ پارس
 طرح جلد: حسین نعمت الهی
 طغچه آرای: محمد قاسمی
 نویت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۰
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: فخر ایران
 قیمت: ۱۸۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۰۳-۰۴-۴

آدرس: شیراز، بلوار زند، نبش خیام، طبقه سوم کفش بلا، واحد شش
 تلفن: ۰۷۱۱-۲۳۴۷۸۳۶-۲۳۴۸۰۶۰

که بعد از تقدم به محضر دارم جادو است بعد از ارد:

بنی از شعارین محرمه رو با تمام احسان تمام می دارم به:

پدر عزیز و مادر محترم

به با اریای قوی و طبع شورش همش باری ام کرده اند.

و من در راه خدمت می نهم به: برادر کم و کز احرم،

عشق و علی و مریم عزیز از احسان

که در تمام مراحل مسون و محبت دلم می ام بوده اند.

جادو در دهن منم، ما خنوم نیست شمر محرم خود را احسان دارم از: آمانا جان و

سرمای، مسوالات محرم. و غای عزیز قابل ستایش است از طرف باری همش لا اله الا الله

و با قدر دان و پرهیز از: استاد و کسب عزیزم آمانا حسنه غفرت الهی و طهارت محرم شایع در:

کانون بیغای کلاغ غفرت طهارت و راحانی که

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين
الطاهرات



فهرست

۷	مقدمه	۳۲	چرخ زمانه جو دزدان شبانه
۹	لحظه آخر	۳۴	تا به کی؟
۱۱	قسم خورده	۳۶	ستاره طلسم شده
۱۴	قمار عشق	۳۸	ساحل دریای باطل
۱۷	همسفرم با خاطراتم	۴۰	امید رهایی
۲۰	خورشید و ماه	۴۲	نمی گویم بمان، بلکه سفر کن
۲۲	عشقم پر کشید	۴۴	مرا دریایی
۲۴	بیگانه تر از ابر و باران	۴۶	رنگ عشق
۲۶	تولد قاصدک	۴۸	شب شد و دوباره شب شد
۲۸	رنگ عشق چه رنگیه؟	۵۰	او بسوزد من بمیرم
۳۰	بغض قاصدک		





مقدمه

ای انسان خاکی ...!

افسار زمان را در دست گیر و آن را به دنبال خود بکشان تا هر قدر هم بدود باز به تو نرسد.

و اگر نمی‌توانی حداقل با آن پیش رو تا نتواند بر تو چیره شود و تو را از حرکت (در راه عشق) بازدارد!

همه را دوست بدار و با همه خوبی کن. عشق را بفهم و صدف عشق را دریاب.

مگذار کینه کوچکی در درونت نفوذ کند و گرنه بسان غده‌ای رشد می‌کند و روی دُرِ زیبا و ظریف دوستی و محبت را می‌پوشاند!

در زیبایی خورشید بیندیش و قبل از گذشتنش فکر رفتنش را بکن. آبی آسمان را که همچون رنگ آبی دریای مهربانیت دریاب و قبل از تیرگیش به تاریش پی ببر و اگر تار گشت در تیرگیش جستجو کن تا اثری از روشنایی بیایی!

آری! اگر خورشید از تو رنجید و اگر آسمان نگاهش را از تو دزدید می‌توانی منتظر آمدن دوباره‌شان و صلح مجددشان باشی؛ زیرا که آنها روح دوستی و لطافت هستند که دوباره به سوی تو بازمی‌گردند اما نباید بگذاری که آنان از تو برنهند چرا که آن وقت زمین در پی دوستی با تو بر می‌آید و بعد که تو را در وجود خود یافت با یک خطای تو، تو را در دام خویش می‌کشد و



با دگرگونیش نابودت می کند!

پس مگذار دوستی و محبت که همانند خورشید و آسمانند از تو روی بگردانند و جای آنها را رشک و حسد که همچون زمین اند پر کند. بگذار همیشه عشق‌ها و آشنایی‌ها همان قلبت باشند و از ورود دشمنی‌ها و ستیزه‌ها جلوگیری کنند که اگر در قلبت رخنه کردند بسان موریانه‌ای سراسر وجودت را می‌خورند و هستی‌ات را می‌سوزانند!

بگذار نهال دوستی درخت گردد و تو آن را آبیاری کن که حتی توفان نیز توان برکندن آن را نداشته باشد و نهال دشمنی را از ابتدا خودت ریشه کن، کن که اگر درخت گردد، شاخ و برگ خود را زیاد می‌کند و آنها را در وجود تو گسترش می‌دهد و تو را در دام بلا می‌اندازد!

بهتر است که:

غزال نیزپای زندگی را که در حال گذر است دریابی و سوار بر آن شوی و دست‌ها را بر پهلوی آن گره کنی که اگر بدون تو از روی پل جوانی گذشت دیگر آن را به دست نمی‌آوری و باید حسرت به دل او را برای همیشه فراموش کنی ...!

غروب یک شب پاییزی - فاصدک

